



۲۰۱۴ / ۰۷ / ۲۰



صالحه وهاب واصل

## تغییر و تحول مقالات از دیروز تا امروز

درود بر شما عزیزان!

قسمی که همه ما و شما میدانیم و شاهدیم، پورتال افغان جرمن آنلاين سالیان متوالیست که به حیث یک وجیبه ملی با احساس ملی گرایانه و وطنپرستانه اش موضوعات داغ در کشور اعم از سیاسی، کلتوری، ادبی، فرهنگی، اجتماعی، طبی، علمی و تخنیکی را با بیرون دادن مقالات و نوشته های ارزشمند قلمبستان توانا و چیرفهم در عرصه های مختلف تعقیب نموده، سعی میکند هموطنانش را در داخل و خارج از کشور، از جریان حالات روان در افغانستان و جهان آگاه و با خبر نگهدارد. به تأیید گفته جناب آقای رهیاب گرامی قلمبست فرهیخته و توانا، من هم مانند هر یک شما اوقات فراغتم را با خواندن مقالات پر محتوای این پورتال در بخش تحلیل ها و مطالب عالی ادبی و هنری در بخش کلتوری آن به سر برده از آنها میآموزم. از خوب های آن حکمت و از نا خوب های آن عبرت میگیرم.

اگر موضوع این نوشته خود را، به طرز نوشتاری محتوای مقالات و مراعات عفت کلام و استعمال جملات و لغاتی که در ارائه و انتقال یک هدف به جناح مقابل استفاده میگردد، اختصاص دهم؛ به ناز و به باور کامل گفته میتوانم که تصویر دهی نظریات و اندیشه های نخبگان و باقی قلمبستان ما به مقایسه با چندین سال قبل، فرقی از «زمین تا آسمان» را نشان میدهد. این بدین معنیست که فشار و جبر روزگار، مهاجرت های تحمیلی، درد دوری از مادر وطن، دیدن رنج و عذاب بی شائبه هموطنان بیگانه و قربانی حوادث ما، سبب شده تا دیگر سکوت نکنیم، خاموشی را بر بیان حال ترجیح نداده صدا بکشیم و آواز خویش را به گوش های شنوا برسانیم. این روش کشیدن آواز و بیان واقعیت ها کار تازه و روش تازه واردی در حیطه سیاست و فرهنگ کشور ما نیست. عمر هاست که ملت ستم کشیده افغان قربانیان فراوان و سر سپرده ای درین عرصه داشته و نامهای این قربانیان آزادی بیان را در تاریخ کشور عزیز ما با خط زرین درج صفحه نموده است.

امروز پیشرفت و توسعه پالیسی های دیموکراسی در سراسر جهان که روی اوضاع و حالات سیاسی و غیر سیاسی افغانستان هم اثراتش را گذاشته، اذهان روشنفکران و نخبگان ما را نیز شدیداً اثر گذار بوده است. یکی از عوامل بسیار عمده و اساسی آنرا من شخصاً زندگی کردن دانشمندان روشن بین و قلمبستان فرهیخته افغان در ممالک دیگر در سراسر جهان، تحت یک چتر وسیع قانونمندی و عدالت اجتماعی این کشور ها میدانم.

در گذشته ها نسبت نبودن فضای نسبی دیموکراسی و شدت استبداد های دولتی، بی قانونی ها و بیعدالتی های از حد گذشته در کشور کشیدن آواز، فراخوانی شکنجه قبول شده و رفتن به چوبه دار و یا هم گذشتان عمر در پس میله های آهنین زندان های بی صاحب بود. قربانیان این راه اکثراً جد و جهد داشتند تا برای رسیدن به یک هدف جمعی یا گروهی هموطنان شان تمام واقعیت های ناگفته را که با ضرب قدرت بر دهن شان کوبیده میشد، در شراره گرم ترین احساسات وطنپرستانه شان بیرون بدهند. این بیرون دادن آواز برحق، یا از طریق براه اندازی مظاهرات و دادن شعار ها و فریاد زدن ها به روی جاده های شهر ها صورت میگرفت و یا از طریق نوشتن متن های مخاصمت آمیز و احساساتی که نود در صد این افراد در بهای کشیدن این صدا جانهای شیرین شان را فدا میکردند.

اما؛ به مرور زمان و با پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر سیستم دیموکراسی در سراسر جهان و امروز هم به صورت نسبی در افغانستان و ترویج و گسترش انتقال اندیشه از طریق رسانه های انترنتی، صوتی و تصویری دیگر هموطنان مردم دوست و آگاه ما ضرورت به فدا سازی جانهای شان ندارند.

در گذشته نه چندان دور شاهد بودیم که نسبت ثقلت محتوای مضمونی در انتخاب کلمات، استعمال دو و دشنام ها از روی احساسات، بد و رد گویی ها، استعمال کنایات غضب آلود، جبهه گیری های بی موجب، قوم گرایی ها، تبعیضات زبانی و کلتوری و ... در رسانه ها، عواقب وخیمی مانند تهدید به قتل، تجاوزات ناموسی و شخصیتی، تصرفات مالی و پولی، اختناقات فردی و غیره را با خود در قبال داشت. خوشبختانه امروز هموطنان قلمبست ما قادر به این شده اند که به جای استعمال سلاح خشم و احساسات از توانایی قلم شان در محدوده صفحه کاغذ و امکانات دست داشته رسانوی، به جای کوبیدن، توهین، تحقیر و بد گویی؛ عالمانه و دانشمندانه اعمال و امیال شخصیت های مورد نظر شان را تقدیر و یا تخریب کنند.

نویسندگان دانا و توانای ما امروز با اعتماد به نفس بالا و مطمئن توانسته اند حتی در نوشته های شان بهترین معلم و راهنمای خوب برای جوانان نسل امروز ما چه در داخل و چه در خارج از کشور باشند. من به صفت یک خواننده علاقمند نوشته ها و مقالات بزرگان ما در پورتال مانند: جناب محترم سید عبدالله کاظم، محترم سید خلیل الله هاشمیان، جناب محمد اعظم سیستانی، جناب اسحق نگارگر، جناب زمانی، محترم عباسی، محترم سرلوخ، جناب حمید الله روغ، محترم جلیل غنی، جناب ولی محمد نوری، جناب کریم عطایی، محترم احمد علی کهزاد، جناب ف. هیرمند، محترم اکرم عثمان، خانم

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

موسی نظام، محترم فارانی و دها نویسنده توانا و قابل اعتبار دیگر ما درین سایت، که درج اسمای مبارک شان از حوصله این صفحه بیرون است، می بینم که نوشته های وزین ایشان چقدر روی صادقانه و حق بینانه نوشتن جوانان با استعداد ما مثل محترم نجیب الله بارکزی، محمد علی سمیع، ایمل فیضی، مسعود غیاثی، قیس کبیر، عبد الحنان روستای، بشیر احمد حمید، جمال خان بارکزی و دیگران مؤثر بوده و است.

جوانان ما با ظرافت و زیبایی خاصی حق گوئی های شان را در جملات ترسیم نموده نقش صفحه میسازند که از یکسو وضاحت بیان هدف را تا حد افهام و تفهیم در محتوی مشاهده میکنیم و از سوی دیگر جناح مقابل و یا متخاصم بدون احساس کوچکترین کمی، توهین و یا تحقیر قصور عمل و کوتاهی نظرش را درک میکند و بسیار هم امکان دارد که اگر شخص کینه توزی نباشد بر قصورش پی برده از گفته های این نویسندگان توانا و با استعداد ما بهره ور گردند و در اصلاح اعمال و گفتار خویش برآیند.

این صداقت، برحق گوئی و بیان آزاد حقیقت ها در قالب اندیشه های رهنمون و آموزنده را میتوانیید با خواندن نوشته های زیبا و پر محتوای جناب جمال خان بارکزی زیر نام امریکا جلو "فاجعه سومی" را گرفت و مقاله جناب محترم سید عبدالله کاظم زیر عنوان (بن بست انتخاباتی شکست، اما آینده هنوز تاریک است!) در سه قسمت و مقالات جناب هاشمیان به طور خاص تبصره ایشان زیر عنوان (ملاحظاتی پیرامون خلا های دور اول انتخابات) مطالعه فرمائید.

علتی که مرا وادار به ابراز این نظر و نوشتن این چند سطر ساخت نوشته جناب محترم حنیف رهیاب در بخش نظر سنجی بود که به نکته بسیار خوب و مهمی اشاره کرده بودند "به نظر بنده نشر مقالات و نوشته های تحریک کننده، جانبدارانه و آشوب برپاکننده در این شرایط بسیار حساس قطعاً لازم نبوده و از دوستان و همکاران محترم پورتال همین تمنی را دارم تا روحیه، جذبات و سطح دانش و سواد اکثریت مردم داخل را مد نظر گرفته، درین مورد طوری بنویسند که سازنده، آشتی دهنده و ترمیم کننده باشد"

گفته ایشان بسیار بجا و قابل تعمق است. مثل شهپر سیاسی داریم که «خون با خون شسته نمی شود» خون را با آب شستن علاوه بر اینکه رنگ را زائل میسازد پاکیزگی را سبب میگردد. این روش مقاله نویسی فعلی بزرگان و جوانان ما هم خود حیثیت همین آب منزه و پاکیزه را دارد که اگر به همین منوال دوام داده شود و نویسندگان و قلمبستان مردم دوست ما به جای تحریکات نامرئی در الفاظ و شعله ور سازی تحركات احساسات سیاسی، تیشه در ریشه برقراری این صلح نسبی نزنند و بر عکس با گفته ها و سخنان آموزنده و رهنمون شان قسمی که در فوق تذکر داده شد، در ثبات و استحکام وحدت ملی کوشا باشند، هیچ قدرتی سبب شکست و بر بادی شان به حیث یک ملت واحد گردیده نمی تواند.

یک قلم رسا، زبان گویا و دست توانای نویسنده، باید قدرت و جرئت این را داشته باشد که در نوشته اش حضور کلام برحق، مانند رشته های آشی باشد که از دیگ بر آمده در کاسه ظاهر میگردد و یا زیبایی و صفایی کلامش در قالب یک مقاله، قالبینی را نماند که خاکروبه را از سطح بالایی آن جاروب کرده و در زیر قالبین پنهان کند. وقتی در یک فضای دیموکراتیک و داشتن امکانات آزادی بیان با مراعات عفت کلام حقیقتی پنهان شده ای در مقاله یک نویسنده ظاهر میگردد، آن زمان است که با برملا شدن و شناخت چهره های اصلی شخصیت هایکه سرنوشت کشور عزیز ما را عمریست با دو رویی به بازی گرفته اند، مردم و ملت ما بهتر میتوانند تصامیم را در تعیین سرنوشت کشور شان اتخاذ کرده مؤفقیت در تأمین صلح را از آن خود سازند. مطمئناً با تداوم این روش کینه ها از دل، خونها از چشم و قضاوتها از قلوب زودده شده، باعث گستردن و ترویج آشتی پذیری و توسعه دامنه وحدت ملی میگردد.

به امید یک افغانستان آزاد، با ثبات و مترقی، مملو از صلح همگانی

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی